



شهید حسین رحیمی حسینی
ولادت: ۱۳۳۷/۶/۷، استان مازندران
پذیرش در رشته مدیریت اقتصاد
شهادت: ۱۳۶۶/۱/۱۹، شلمچه، عملیات کربلای ۸
آرامگاه: چالوس، مرزن آباد، امامزاده خلیل، گلزار شهدا

زندگی نامه

شهید رحیمی حسینی در هفتم شهریور ۱۳۳۷ در روستای برار از توابع مرزن آباد چالوس دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در محل تولد با موفقیت سپری کرد و دوره راهنمایی را از سال ۱۳۴۳ با مشورت خانواده و به قصد همجواری با حضرت معصومه (س) و کسب فیض معنوی در شهر قم به اتمام رساند و پس از کسب دیپلم ریاضی برای ادامه تحصیل در رشته اقتصاد در مقطع کارشناسی دانشگاه کرج پذیرفته شد و با موفقیت دوره کارشناسی را به پایان رساند. در زمان تحصیلات دانشگاهی در صحنه های گوناگون انقلاب حضور داشت تا این که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. در سال ۱۳۵۸ در مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت اقتصاد در دانشگاه شهید بهشتی تهران پذیرفته شد. پس از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه ها به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد و علاوه بر آن در سازمان برنامه و بودجه به تهیه گزارش های گوناگون، ترجمه متون اقتصادی در ارتباط با آموزش و پرورش و همکاری با کارشناسان می پرداخت.

در آذر ۱۳۶۲ به مدت سه ماه به عنوان بسیجی با مسئولیت فرماندهی به جبهه کردستان و منطقه مریوان اعزام شد و در اسفند همان سال نزدیک به پنج ماه در همین جبهه ها به جنگ با دشمنان پرداخت. در بهمن ۱۳۶۳ به عنوان تیربارچی در عملیات بدر در جبهه اهواز شرکت کرد و تا اوایل سال ۱۳۶۶ به مدت سیزده ماه با صلابت در عملیات های بدر، قدس ۱ و ۲، کربلای ۵ و والفجر ۸ حضور داشت. او سرانجام در نوزدهم فروردین سال ۱۳۶۶ در جبهه شلمچه و عملیات کربلای ۸ بر اثر اصابت ترکش خمپاره به شهادت رسید.

فرازی از وصیت‌نامه

امیدوارم که خداوند توفیق دهد تا ضربه‌ای محکم به پیکر پوسیده دشمنان انقلاب اسلامی وارد کنیم و ملت‌های مسلمان منطقه در مقابل حيله‌ها و فسادپراکنی‌ها و فتنه‌انگیزی‌های استعمارگرانه شرق و غرب گمراه نشوند و از خدا غافل نگردند و فریب زرق و برق دنیا را نخورند و خود را در مقابل آنها نبالند.

اینک که انقلاب اسلامی ایران پیروز شده است، باید قدر این نعمت بزرگ را بدانیم و همان‌طور که امام فرمود: «باید با چنگ و دندان، این آزادی و استقلال را حفظ کنید.» باید حسین زمان را در مقابل انبوه دشمنان اسلام یاری کنیم و گرنه کفران نعمت کرده و به اهداف مقدس اسلام و خون پاک شهدا پشت کرده و مورد خشم و غضب الهی واقع می‌شویم.

با قرآن انس بگیرید و به آن عمل کنید که قرآن از شما شفاعت می‌کند، نه شکایت. برای من هرگز اظهار نگرانی و ناراحتی نکنید. در شهادتم به جای گریه دعا کنید که من به دعا محتاجم. دعا کنید که خداوند مرا با شهدای کربلا محشور کند.

ما آن قدر می‌جنگیم و مقاومت می‌کنیم که دست همه مفسدین و شیاطین را کوتاه کنیم و کاروان بشریت را از غرق شدن در گرداب مفاسد و جنایات بیرون بکشیم و دست‌شان را به دامان حضرت مهدی (عج) برسانیم تا آنها را هدایت کند و هدایت‌شدگان را به ساحل نجات برساند و شقاوت‌پیشگان را در آتش شرارت‌شان نابود کند. باید نایب حضرت مهدی (عج)، این امانت گران‌قدر الهی را قدر بدانیم و دستوراتش را مو به مو اجرا کنیم تا از صراط مستقیم خارج نشویم و به عذاب الهی دچار نگردیم.

شعر زیر از شهید رحیمی حسینی که برای یکی از هم‌زمان شهید خود «هدایت نجار کریمی» سروده است:

ای شهید راه حق در جبهه سرخ جنوب	ای هدایت جان من! مهر تو مانده در قلوب
راه تو جاوید باد ای گوهر گوهر کلا ^۱	خون تو گوهر کلا را کرده اینک پر جلا
روح تو رفته به دیدار حسین در کربلا	ای هدایت جان من! ای ماه من! کردی غروب
دعوت حق را تو لبیک گفته‌ای با جان و دل	پیش روی مادر خوب تو، ما هستیم خجل
روح تو شادان و چشم دشمن پست تو، کور	بوسه زد رهبر به بازوهای تو از راه دور

^۱ روستایی از توابع بخش مرزن آباد شهرستان چالوس در استان مازندران